

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه مترجم
۱	مقدمه مؤلف بر ترجمه فارسی
۵	پیشگفتار مؤلف
۱۱	
۲۵	فصل ۱: موضوعها و مشکلات باستان‌شناسی ایران
	مقدمه
۲۵	کیفیت داده‌ها
۲۸	عوامل جغرافیایی، زمین‌ریختی و اقلیمی
۳۴	موضوعات عمده فرهنگی - تاریخی
۳۸	برای آیندگان
۴۳	
۵۰	فصل ۲: باستان‌شناسی دوره روستانشینی
	مقدمه
۵۰	
۵۳	دوره روستانشینی آغازین
	دوره‌های روستانشینی جدیدتر: دوره روستانشینی قدیم، دوره روستانشینی میانه، دوره
۵۶	روستانشینی جدید
۵۹	پیشینه زندگی یکجانشینی
۶۳	دهلران
۶۵	دوره روستانشینی آغازین: فازهای بزمرد، علی‌کش، محمدجعفر، سفید و سرخ
۶۸	دوره روستانشینی قدیم: فازهای انتقالی چغامامی، سبز و خزینه
۷۱	دوره روستانشینی میانه: فازهای مهمه، بیات و فرخ

۷۳	دوره روستانشینی جدید: شوش ۸ و شوش ۸ پایانی / سرگراب
۷۴	تاریخچه استقرار
۷۸	دشت شوشان
۸۱	دوره روستانشینی آغازین: نوسنگی
۸۲	دوره روستانشینی قدیم: فاز جعفرآباد
۸۴	دوره روستانشینی میانه: فاز چغامیش
۸۶	دوره روستانشینی جدید: شوش ۸ و شوش ۸ پایانی
۸۹	استقرار در دوره روستانشینی جدید
۹۳	کوههای کردستان و لرستان
۹۴	دوره روستانشینی میانه تا جدید
۹۷	آذربایجان
۹۷	دوره روستانشینی آغازین: دوره حاجی فیروز
۱۰۰	دوره روستانشینی میانه: دوره دالما
۱۰۱	دوره روستانشینی جدید: دوره پیزدلی
۱۰۳	منطقه ماهیدشت در زاگرس مرکزی
۱۰۳	دوره روستانشینی آغازین: نوسنگی
۱۰۳	دوره روستانشینی قدیم
۱۰۶	دوره‌های روستانشینی میانه و جدید: «دوره‌های» دالما و عبید
۱۰۸	منطقه کنگاور در زاگرس مرکزی
۱۱۰	دوره روستانشینی آغازین: نوسنگی
۱۱۱	دوره روستانشینی قدیم: فازهای شهن آباد و دالما
۱۱۳	دوره روستانشینی میانه: فازهای سه گابی و طاهرآباد
۱۱۴	دوره روستانشینی جدید: فاز حسین آباد
۱۱۵	منطقه خرم آباد در زاگرس مرکزی
۱۱۷	دوره روستانشینی قدیم
۱۱۸	دوره روستانشینی جدیدتر

۱۲۱	دشتهای میان کوهی زاگرس جنوبی - فارس
۱۲۲	دوره روستانشینی آغازین
۱۲۶	دوره روستانشینی میانه تا جدید
۱۲۹	ایده
۱۳۰	دوره روستانشینی آغازین
۱۳۱	دوره های روستانشینی قدیم تا جدید
۱۳۱	دشت گل و ایوه
۱۳۲	خانه میرزا و شهرکرد
۱۳۳	یادداشتها
۱۵۷	فرانک هول فصل ۳: زیستگاه و جامعه در دوره روستانشینی
۱۵۷	مقدمه
۱۶۱	دگرگونی و تغییر در زیستگاه
۱۶۵	دوره روستانشینی آغازین
۱۶۹	دوره روستانشینی قدیم
۱۷۱	دوره روستانشینی میانه
۱۷۴	دوره روستانشینی جدید
۱۷۷	تخصص، جایگاه اجتماعی و سلسله مراتب
۱۷۸	تخصص
۱۸۳	جایگاه اجتماعی
۱۸۶	سلسله مراتب
۱۹۱	سازمان دشت شوشان در دوره جدید
۱۹۲	زیستگاه و ارتباط متقابل
۱۹۸	ماهیت مرکزیت
۲۰۷	مفاهیم نظام مندی

صفحه	عنوان
۳۱۶	چان ر. آلدن
۳۱۶	فصل ۶: دوره شوش III
۳۱۸	مقدمه
۳۲۱	حفاریهای شوش III
۳۲۳	زیستگاه شوش III در دشت شوشان
۳۲۵	تفسیرها: دشت شوشان
۳۳۱	یافت ژئوپلیتیک دوره شوش III
	یادداشتها
۳۴۰	رابرت ساخت
۳۴۰	فصل ۷: فرهنگهای تاریخی اولیه
۳۴۱	مقدمه
۳۴۲	چکیده‌ای از بررسیها و حفاریهای منطقه‌ای
۳۴۵	منطقه زاگرس مرکزی
۳۴۶	جلگه دشتهای پست
۳۴۶	منطقه مرودشت در فارس
۳۴۷	چکیده
۳۴۷	تاریخچه زیستگاه
۳۴۸	الگوی گرانشی
۳۴۹	الگوی رتبه‌ای - اندازه‌ای
۳۵۶	عیلام قدیم I / شوش IV (حدود ۲۷۰۰-۲۲۰۰ ق.م.)
۳۵۹	شوش V: شیماشکی (حدود ۲۲۰۰-۲۰۰۰ ق.م.)
۳۶۷	عیلام قدیم III (حدود ۲۰۰۰-۱۴۷۵ ق.م.)
۳۷۳	عیلام میانه I (حدود ۱۴۷۵-۱۳۰۰ ق.م.)
۳۷۹	عیلام میانه II (۱۳۰۰-۱۰۰۰ ق.م.)
۳۸۲	نتیجه‌گیری
۳۸۲	پیوست
۳۸۵	گاهنگاری
	لایه‌نگاری تطبیقی

۳۸۸	سپاسگزارها
۳۸۹	یادداشتها
۴۰۵	فصل ۸: گودین III و گاهنگاری غرب مرکز ایران در حدود ۲۶۰۰-۱۴۰۰ ق.م. رابرت هنریکسون
۴۰۵	مقدمه
۴۱۰	گودین III:۶
۴۱۶	گودین III:۵
۴۱۸	گودین III:۴
۴۲۱	گودین III:۳
۴۲۱	گودین III:۲
۴۲۵	دورهٔ پس از III:۲
۴۲۸	گودین III:۱
۴۲۹	مواد لایه نگاری نشدهٔ جدید
۴۲۹	نتیجه گیری
۴۲۹	سپاسگزارها
۴۳۰	یادداشتها
۴۴۸	فصل ۹: عصر آهن
۴۴۸	مقدمه
۴۵۰	چهارچوب تاریخی
۴۵۰	دورهٔ آشورنو
۴۵۵	دورهٔ ماد
۴۵۷	دورهٔ هخامنشیان
۴۵۸	مدارک باستان شناختی
۴۵۹	آذربایجان و کردستان
۴۶۳	جادهٔ خراسان و لرستان
۴۶۷	خوزستان

۴۶۸	فارس
۴۶۹	گاهنگاری نسبی و مطلق
۴۶۹	عصر آهن جدید I
۴۷۰	آهن II
۴۷۲	آهن III
۴۷۶	آهن IV
۴۷۸	داده‌های توزیعی
۴۸۰	آهن I
۴۸۱	آهن II
۴۸۳	آهن III
۴۸۶	آهن IV
۴۸۶	نتیجه‌گیری
۴۸۹	سپاسگزارینها
۴۸۹	یادداشتها
۴۹۷	فصل ۱۰: غرب ایران در دوره پارت - ساسانی: تغییر شاهنشاهی
۴۹۷	مقدمه
۴۹۹	تاریخ فرهنگ پارت و ساسانی
۵۰۱	بافت زیست‌بومی
۵۰۳	الگوهای زیستگاهی پارت- ساسانی در شمال خوزستان
۵۱۱	زیستگاههای پارت و ساسانی در دشت دهلران
۵۱۴	رشد جمعیت و تغییر فرهنگی
۵۱۶	کشت آبی و چرخه‌های شاهنشاهی
۵۱۸	نهادهای اداری پارت- ساسانی
۵۲۶	پیوند اقتصادی بلندیها و دشت در دوران پارت و ساسانی
۵۲۷	رویکردهای روش‌شناختی در بررسی داده‌های باستان‌شناختی دوره‌های پارت و ساسانی
۵۳۰	دگرگونی سبکی

۵۳۱	دگرگونی کارکردی
۵۳۵	آزمایش مجموعه‌های سطحی شوشان برای مطالعات کاربردی و زمانی
۵۴۰	دگرگونی سبکی اوروک
۵۴۲	گوناگونی کاربردی اوروک
۵۴۹	چکیده‌ای از تحلیلهای مقیاس‌بندی چندبعدی (MDS)
۵۵۰	پارتها و ساسانیان در چشم‌انداز تکاملی
۵۶۳	فصل ۱۱: نه‌هزار سال تغییر اجتماعی در غرب ایران
۵۶۳	دوره روستانشینی
۵۷۲	دوره اوروک
۵۷۶	دوره آغاز عیلامی
۵۷۹	اکدیها و پس از آن
۵۸۷	ارجاعات
۶۱۳	منابع مقدمه مؤلف بر ترجمه فارسی
۶۲۲	درباره نویسندگان
۶۲۴	نمایه

تقدیم به استاد دکتر کتایون مزداپور، که پرسخاوت
و بی‌هراس از نامش برده نشدن، می‌آموزد.

مقدمه مترجم

چند سالی از آشناییم با باستان‌شناسی و آغاز کار ترجمه‌ام در این رشته می‌گذشت که سازمان سمت ترجمه کتاب باستان‌شناسی غرب ایران، اثر فرانک هول، را پیشنهاد داد. این باستان‌شناس بزرگ، که سالها به حفاری و پژوهش در محوطه‌های باستانی غرب ایران پرداخته است، در این کتاب ارزشمند یازده مقاله خود و هفت باستان‌شناس برجسته دیگر را گرد آورده که آنان نیز در ایران بررسی و حفاری کرده‌اند و با شناخت کامل از مشکلات بررسی، شیوه‌هایی نو را در تجزیه و تحلیل داده‌ها ارائه داده‌اند. کتاب دوره زمانی از حدود هزاره هفتم ق.م. تا پایان دوره ساسانی را دربر می‌گیرد و بر داده‌های به دست آمده از بررسی‌های سطحی تکیه دارد که بیشتر به الگوهای استقراری غرب و جنوب غرب ایران مربوط می‌شوند.

با توجه به ضرورت ترجمه این اثر، با تجربه‌ای که در سالهای گذشته اندوخته بودم و دلگرم از اندیشه یاری جستن از استادان این رشته که همیشه خود را نیازمند دانش آنان می‌دانم، کار را پذیرفتم، گمانی که «آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها»!
از آنجا که امروزه در جهان در رشته باستان‌شناسی از علوم گوناگونی از جمله آمار استفاده می‌شود، همان‌طور که در فصل آخر کتاب نیز آمده است، فهم این کتاب و کتابهایی از این دست برای خواننده انگلیسی زبان غیرمتخصص نیز بسیار دشوار است. از این روی مشاوره علمی امری ضروری می‌نمود. ولی به سبب فقدان دروسی چون آمار در رئوس دروس رشته باستان‌شناسی در ایران و به‌طور کلی به دلیل همگام نبودن آموزش و پژوهش ایران با توسعه روزبه‌روز علم باستان‌شناسی در جهان، ناکافی بودن شناخت باستان‌شناسان کشور به روشهای جدید بررسی که بخش عمده این کتاب را

شامل می‌شود، امری طبیعی بود. بنابراین در موارد نامفهوم و مشکل آفرین، تا پایان کار ترجمه، جز خود متن راهنمایی نیافتیم.

با توجه به نکات یاد شده، ترجمه این اثر دشواریهای فراوانی داشت که یکی به خود کتاب بازمی‌گشت، مانند: تنوع موضوعات، دامنهٔ زمانی گسترده و تنوع دوره‌ها، ثبت اعلام و... و دیگری مشکل ترجمهٔ متونی از این دست بود که مبتنی بر تحولات فنی و علمی‌اند، از جمله:

– تخصصی بودن متن و آمیختن آن با فرمولهای آماری که جمله‌ها و عباراتی به دور از معنای معمولشان را به دست می‌دهند.

– ارائهٔ مفاهیمی تازه که معادلی در زبان فارسی ندارند. زبان فارسی هرچند به گفتهٔ زبان‌شناسان زایایی کافی را برای انتقال مفاهیم علمی دارد، ظاهراً هنوز قالب پرورده و شکل گرفته‌ای برای چنین عملکردی نیافته است و هنوز به توانمندیهای ناشناختهٔ این زبان غنی راه برده نشده است.

– موجود نبودن فرهنگ جامع باستان‌شناسی به زبان فارسی: در میان کتابهای باستان‌شناسی، فقدان فرهنگی که بتواند بر اساس باستان‌شناسی ایران برای مفاهیم این رشته تعریف مشخص و روشنی ارائه دهد، کاستی بزرگی به شمار می‌آید. با وجود نیاز مبرم به چنین فرهنگی جای تأسف است که هنوز هیچ سازمان، گروه یا فردی اقدام به فراهم آوردن آن نکرده است. بی‌تردید فرهنگ باستان‌شناسی مشکل درک مفاهیم این رشته را تا حد زیادی برای دانشجویان و مترجمان برطرف خواهد کرد.

– ناهماهنگی در نام مکانهای جغرافیایی و محوطه‌های باستانی. به هنگام برگرداندن نام مکانهای یاد شده در این اثر پی بردم که نام برخی مکانها بیش از یک صورت نوشتاری دارند و هیچ دلیل زبان‌شناختی یا ریشه‌شناختی برای برتری یکی بر دیگری پیشنهاد نشده است مانند: پیزدلی / پیسدلی، ایزه / ایزه و... بنابراین به پسند خود یکی از آنها را برگزیدم. امید است با همکاری باستان‌شناسان و زبان‌شناسان و با استفاده از داده‌های بومی تلاشی علمی برای یکدست کردن و ریشه‌یابی نام مکانها انجام گیرد.

– مشکل معادل‌یابی و معادل‌سازی

زبان‌شناسان واژه را واحدی زبانی تعریف می‌کنند که مفهومی کلی را دربر دارد. ولی اگر واژه‌ای بیگانه بر مفهومی علمی و تخصصی یا بر ابزاری دلالت داشته باشد که هنوز وارد زبان مقصد نشده است یا هنوز کاربرد گسترده‌ای در این زبان نیافته است، قرار دادن معادلی برای آن حتی در صورت عملی شدن، ناگویا خواهد بود. پس نخست باید ابزار و دانش نو وارد شود، سپس زبان متناسب با این پیشرفت تغییر کند و زایایی آن از قوه به فعل درآید. بدین ترتیب از آنجا که پایه‌ریزی و توسعه دانش باستان‌شناسی در کشورهای غربی آغاز شد و رشد کنونی آن و به کارگیری آن از علوم و فنون دیگر نیز عمدتاً محصول تحقیقات پژوهشگران غربی است، در فرهنگ و زبان ایرانی فرایند یافتن معادل برای اصطلاحات آن با مشکل روبه‌رو است. پس با وجود آگاهی مترجم از این اصل که ترجمه‌ای پالوده است که از آن بوی بیگانگی نیاید و با استفاده از شگردهای زبانی، معادل‌یابی‌های صحیح و گویا، تغییر مقوله‌های دستوری و نزدیک شدن به شکل‌های رایج در زبان مقصد، مفاهیم به درست‌ترین و شیواترین صورت ممکن منتقل گردد، در این اثر نیز مانند کتابهای تخصصی دیگر به دلیل اینکه برخی اصطلاحات به کار رفته در متن اصلی نخستین بار بود که به فارسی برگردانده می‌شد و از سوی دیگر زبان تخصصی کتاب اجازه تغییر عبارات و رعایت اصول زیبایی‌شناختی را در بیشتر موارد نمی‌داد، معادل‌سازها به پیروی از زبان مبدأ انجام شد. گذشته از این، در ترجمه متون علمی که ضرورتی انکارناپذیر است و به منظور آگاهی از پیشرفتهای علمی و دیدگاه‌های پژوهشگران خارجی صورت می‌گیرد، ناگزیر روانی زبان تا حدی فدای انتقال دقیق معنی می‌شود، هرچند آن را خشک و کسل‌کننده سازد و امکان قلمفرسایی را از مترجم بگیرد. از این روی است که پژوهشگر و دانشجوی خواننده این کتاب ممکن است گاه ترجمه عبارات را روان و فهم آنها را آسان نیابد که چنانچه گفته شد این مشکل را خواننده متن اصلی کتابهای تخصصی نیز دارد.

پس از پایان کار آقای دکتر عباس علیزاده ترجمه را از آغاز تا انجام خواندند و با توجه به شناخت دقیق این اثر و تسلطشان بر موضوع، مفاهیم بسیار پیچیده آماری و فنی کتاب را بویژه در دو فصل ۴ و ۱۰ روشن کردند که از این بابت از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

آقای ناصر چگینی دستگیر و یاری‌رسان چون همیشه در اندک مجال داده شده فصلهایی از کار را خواندند و با راهنماییهای بسیار سودمندی که در زمینه ویرایش متن و ثبت اعلام نمودند، دلوآپسیه‌ایم را از حاصل کار کاستند و مرا وام‌دار خویش ساختند. با وجود یاری این بزرگواران و با اینکه ترجمه بارها و بارها خوانده و اصلاح شده است، با توجه به دشواری متن انتظار نادیده ماندن خطایی دور از ذهن نیست که امیدوارم با دریافت نظرات پژوهشگران و استادان محترم باستان‌شناسی کشور در چاپهای بعدی، کتاب از این کاستیها پاک گردد.

در تماسهایی که با ویراستار دانشمند کتاب، پروفسور فرانک هول، به منظور جویا شدن از آخرین دیدگاههایشان درباره این اثر داشتم، ایشان خرسند از ترجمه کتابشان به فارسی، با مهربانی بسیار علاقه‌مندیشان را به نوشتن مقدمه‌ای بر ترجمه ابراز کردند و چندی بعد آن را همراه با ارجاعاتی تازه و تصویری از خودشان ارسال کردند که در اینجا لازم می‌دانم سپاس و قدردانی خود را از ایشان بیان دارم و رفتار علمی‌شان را ارج نهم.

اما بی‌یاری و همراهی خانواده‌ام، همسر و فرزندانم که پشتیبانی‌شان همواره آرام‌بخش خاطر من بوده است، ترجمه چنین کار بزرگی امکان‌پذیر نبود که سپاس بی‌پایان و قدردانی عمیق را پیشکش می‌کنم.

از کلیه کسانی که در تولید کتاب نقش داشتند قدردانی می‌کنم؛ بویژه اعضای محترم گروه باستان‌شناسی سمت که به اهمیت کتاب و ضرورت ترجمه آن پی بردند و کلیه مسئولان و کارکنان محترم این سازمان. همچنین سپاسگزارم از گلا دیس آبراهامیان عزیز که با دقت و صرف وقت دستنویس مرا تایپ کرد.

در پایان با همه دشواریها و خاطرات خوشایند و ناخوشایندی که ترجمه این اثر در ذهنم به جای گذاشت، خشنودم، نه از داشتن نامی بر جلد کتاب که از خدمتی هرچند کوچک به سرزمینم.

پیشگفتار مؤلف

در بهار ۱۹۷۷ بود که با گردهم آمدن تعدادی باستان‌شناس در «مدرسه پژوهش امریکایی»^۱ به منظور برگزاری سمینار پیشرفته «الگوهای زیستگاهی و توسعه فرهنگی در غرب ایران»^۲ مراحل آغازین تألیف این کتاب شکل گرفت. دریافتیم که پس از حدود بیست سال از پژوهشهای میدانی باستان‌شناختی توسط دانش پژوهانی که نماینده کشورهای، مؤسسات گوناگون و گرایشهای خاص بوده‌اند، زمان ارزیابی فرارسیده است. ولی در آن زمان نمی‌دانستیم که اکثر ما دیگر مجال از سرگیری فوری تحقیق را نخواهیم یافت تا بتوانیم بسیاری از دیدگاههای به دست آمده در طول سمینار را به آزمون بگذاریم. با سقوط سلسله پهلوی در ژانویه ۱۹۷۹، ادامه پژوهشهای باستان‌شناختی ما، دست کم موقتاً، پایان یافت. تهیه این کتاب مدتی دراز به طول انجامید؛ اما این تأخیر تا حدی عمدی بود، برای آنکه پس از سمینار کار را از نو آغاز کنیم و مبادرت به نگارش فصولی کنیم که پیشتر پیش‌بینی نکرده بودیم. برخی از ما امکان انجام فوری این کار را نیافتند؛ برخی دیگر متوجه شدند که نگارش و نشر مطالبی که فی‌البداهه طی بحثهای داغ سمینار مطرح شده، بسیار دشوارتر خواهد بود. با این حال این دیرکرد آسیبی به کتاب حاضر نرسانده است و در واقع، طولانی‌تر شدن زمان تکوین آن مفید نیز بوده است. مقالات این کتاب را می‌توان مبنایی برای سنجش کارهای آینده و طرح‌ریزی پژوهشهای بعدی قرار داد.

در خاور نزدیک چندین سنت تاریخی منطقه‌ای بزرگ وجود داشته که باعث

1. School of American Research

2. Patterns of Settlement and Cultural Development in Western Iran

یک پیوستگی جغرافیایی و فرهنگی در طول هزاره‌ها گردیده است. در این میان می‌توانیم از بین‌النهرین شمالی و جنوبی، مصر، فلسطین و غرب ایران نام ببریم. ناحیه سایه‌دار در شکل ۱ تقریباً غرب ایران را نشان می‌دهد. در این کتاب به این ناحیه و ارتباط جغرافیایی آن با دیگر مناطق خاور نزدیک خواهیم پرداخت. در جدول ۱ گاهنگاری باستان‌شناختی مناطق مختلف به اجمال آورده شده است. به رغم آسانی سفر بین این مناطق و سابقه تبادل کالا از راه تجارت یا شیوه‌های دیگر، هر یک از آنها از بسیاری جهات دارای فرهنگها و نموده‌های فرهنگی مجزایی بوده‌اند. از این رو، برای شناخت خاور نزدیک، افزون بر یافتن وجوه اختلاف بین مناطق، باید در پی عواملی بود که موجب جدایی آنها از هم شده است. در نوشته‌های کهن تاریخی، هیچ اختلافی در خاور نزدیک به صراحت اختلاف میان بین‌النهرین جنوبی و غرب ایران ذکر نگردیده است. این دو، قلمروهای سیاسی جدا و اغلب متخاصم بوده‌اند. ولی از دیدگاه ساکنان بین‌النهرین جنوبی، فرهنگهای مستقر در غرب ایران به طور کلی دشمن شمرده می‌شد و به زیر فرمان درآوردن آنها اگر نه ناممکن، دشوار بود. در این مورد پاتس^۱ (۱۹۸۲، ص ۳۵) به «دشمنی ریشه‌دار و دو سویه و جنگ دائم اهالی عیلام (شوشانیها در دشتهای پست غرب ایران) و اهالی زاگرس با شهرهای بین‌النهرین» اشاره می‌کند. در هزاره سوم پیش از میلاد به چنین دشمنی‌هایی بسیار اشاره شده است؛ ولی پاتس (۱۹۸۲) این بحث را مطرح می‌کند که از زمان برپایی نخستین دهکده‌های ثابت و یکجانشین در هزاره هشتم، مانعی بین دو منطقه ایجاد شده است. در دوران پیش از تاریخ نیز پراکندگی انواع مختلف صنایع دستی در دو سوی خطی که تقریباً بر مرز کنونی ایران و عراق انطباق دارد (شکل ۱) نشان دهنده این مانع است. در دوران تاریخی وضعیت بسیار مشابهی حاکم بود ولی مرز بین دشتهای و زمینهای بلند، در پاسخ به شرایط موجود تغییر کرد. به رغم اختلافات موجود بین غرب ایران و بین‌النهرین جنوبی، در غرب ایران منطقه‌بندی داخلی بسیاری صورت گرفت که در فصول بعد به جزئیات آن خواهیم پرداخت.

غرب ایران در گسترش تجارت بین مردم بین‌النهرین جنوبی با منابع اندکشان و منطقه کوهستانی و فلات ایران و ماورای شرق با منابعی غنی، جایگاه مهمی دارد. به همین دلیل، ساکنان کوههای زاگرس قادر بودند به جاه‌طلبیهای اهالی سرزمین پست، حتی آنانی که قادر به تجهیز نیروهای نظامی قدرتمند بودند، دامن زده، یا مانع آن شوند. همین توانایی حفظ عدم وابستگی به همسایه‌ها و اغلب تحت نفوذ در آوردن آنهاست که غرب ایران را به آزمایشگاهی باستان‌شناختی برای مطالعه فرایندهای فرهنگی و تاریخی در خاور نزدیک مبدل کرده است. با این حال، هنوز اقدام جامع و روشمندی برای ارائه تصویری باستان‌شناختی، به شیوه‌ای نسبتاً دقیقتر، به عمل نیامده است. ما حدود ۸۰۰۰ سال از تاریخ باستان‌شناختی را بررسی می‌کنیم (جدول ۱)، و این کار فقط با توجه بیشتر به الگوهای زیستگاهی و نتایج به دست آمده از آنها درباره مشکلات تاریخی- فرهنگی، در قالب یک کتاب قابل انجام است. نویسندگان کتاب در اینجا مستقیماً به مسأله اختلاف‌های بین ایران و بین‌النهرین- مشکلی که نیازمند چشم‌انداز علمی کاملاً متفاوت و بررسی منطقه‌ای در سطح جهانی است- نپرداخته‌اند. از آنجا که در اندیشه کارهای آتی هستیم، توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند اساس کتاب مشابه دیگری قرار گیرد.

مطالب این کتاب، در حد امکان، تازه و دست اول است. از آنجا که پس از این سمینار، فعالیت‌های باستان‌شناختی چندانی در ایران صورت نگرفته است- غیر از مواردی که برخی از همین نگارندگان انجام داده‌اند- مقالات حاوی جدیدترین یافته‌هاست. ولی با مطالعه این کتاب نباید چنین استنباط کرد که همه پژوهش‌های مهم را در زمینه باستان‌شناسی ایران این نویسندگان انجام داده‌اند. به هر حال، حقیقت این است که نگارندگان کتاب در زمینه همه دوره‌های مهم کار کرده و بیشتر آنها با مسئولیت «مرکز ملی پژوهش‌های علمی»^۱ و «بنیاد ملی علوم»^۲، در مذاکرات و جلسات تبادل نظر شرکت کرده‌اند، که این موجب شد بتوانیم اطلاعات و عقایدمان را آزادانه با همکاران فرانسوی

1. Centre National de la Recherche Scientifique (CNRS)

2. National Science Foundation (NSF)

خود مبادله کنیم. نخستین گفتگو در سال ۱۹۷۷، در شوش، برگزار شد و نتایج آن در مجله دیرین‌شناسی^۱ چاپ شد. پس از آن، با کمک مالی مشترک NSF و CNRS تعداد زیادی از اعضای گروه‌های فرانسوی و امریکایی، از مجموعه‌ها و همکاران خود در فرانسه، ایالات متحده و کانادا دیدار کردند. سرانجام، در تابستان ۱۹۸۵، سمینار مشترک دیگری با عنوان «توسعه جوامع پیچیده جنوب غرب ایران»^۲ در بلوو^۳ فرانسه برگزار شد. نتیجه این سمینار، که دوره زمانی کاملی را شامل می‌شد، در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب موضوعات ارائه شده در اینجا تا حد امکان جدید است، اگرچه در بسیاری از برداشتها اتفاق نظر وجود ندارد.

در این کتاب به بررسی جامع همه اطلاعات نپرداخته‌ایم؛ بلکه همه توجه ما به الگوهای زیستگاهی منطقه‌ای معطوف بوده است؛ زیرا این الگوها دشواریهای باستان‌شناختی سنتی را آشکار می‌سازند. در مجموع، در بررسیها و حفاریهای خود پهنا و درازای غرب ایران را در نظر گرفته‌ایم، به این ترتیب تمرکز بر جغرافیای منطقه امری طبیعی است. این شیوه‌ای است که رابرت مک سی. آدامز^۴ در بین‌النهرین آن را با موفقیت اجرا کرد و بنابراین منبع آماده‌ای برای موارد مشابه بود. بدین ترتیب وقت خود را صرف مقایسه موضوعهای نامرتبط با منطقه نمی‌کنیم و بیشتر به روابطی توجه داریم که مناطق داخل غرب ایران را به هم پیوند می‌دهد. این رویکرد جغرافیایی، با تأکیدی که بر الگوهای استقراری دارد، اختلاف در برخی دوره‌ها و یکپارچگی دوره‌های دیگر را نشان می‌دهد. گاهی بروشنی می‌توان این اختلافها را توضیح داد؛ در موارد دیگر، می‌توان فرضیه‌هایی پیش‌بینی کرد تا در آینده نسل بعدی باستان‌شناسان به آزمایش آنها پردازند.

غناي سنتهای تاریخی ایران در طول بیش از یک سده گذشته انگیزه‌ای برای انجام بررسیهای باستان‌شناختی بوده است، ولی اهمیت کنونی آن نزد باستان‌شناسان، تا اندازه‌ای در نتیجه اوضاع سیاسی جدید این کشور است. در بیشتر سالهای این سده، فقط

1. *Paléorient*, 4: 133-244.

2. The Development of Complex Societies of Southwest Iran.

4 Robert McC. Adams